

بسمه تعالی

رضاع کبیره ●

جناب سید عباس

بنت عایشه

گروه خیمه گاه حضرت ابوالفضل (ع)

بنت عایشه:

میخوام از ایه رضاع کبیره دفاع کنم وقت بدید بعد جواب بدید
خب ممنون از ادبت حالا من توضیحی بدم در مورد تهمت نبودن ایه رضاع کبیره در
قران بعد حرفتو بزن ولی خواهشان بزار تموم کنم بعد شروع کن

طبرسی میگه نسخ بر سه نوع هست

نوع اول حکم هست قرائت نیست

نوع دوم قرائت هست حکم نیست.

نوع سوم نه حکم هست و نه قرائت

حالا این سه نوع از آیات قران

نوع اول ﴿﴾

مَا نُنَسِّخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿106﴾

هر آیه ای را نسخ کنیم، یا (از دل مردم بزدانیم و) فراموشش گردانیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم، آیا نمی دانی که خداوند بر هر چیز تواناست؟ ﴿106﴾

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿101﴾

و هنگامی که آیه ای را به جای آیه ی دیگر جایگزین (= نسخ) کنیم - و خداوند به آنچه که نازل می کند، داناتر است - (آنها) گویند: «بی گمان تو افترا زنی» (هرگز چنین نیست) بلکه بیشتر آنها نمی دانند. ﴿101﴾

نوع دوم

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ ۗ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿39﴾

خداوند هر چه را که بخواهد محو و (هر چه بخواهد) اثبات می کند و ام الكتاب (= لوح محفوظ) نزد اوست. ﴿39﴾

نوع سوم

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿86﴾

و اگر بخواهیم آنچه را که به تو وحی کرده ایم؛ (از سینه ات) می بریم، آنگاه در برابر ما برای خود هیچ کارسازی (و مدد کننده ای) نخواهی یافت، ﴿86﴾

تعریف علمایه شیعه از منسوخات

والنسخ في القرآن على ضروب منها: أن يرفع حكم الآية وتلاوتها، كما روي عن أبي بكر أنهقال: كنا نقرأ (لا ترغبوا عن آبائكم فإنه كفر بكم). ومنها: أن تثبت الآية في الخط، ويرفع حكمها كقوله (وإن فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفار فعاقبتم) الآية. فهذه ثابتة اللفظ في الخط، مرتفعة الحكم. ومنها ما يرتفع اللفظ، ويثبت الحكم، كآية الرجم، فقد قيل: أنها كانت منزلة، فرفع لفظها. وقد جاءت أخبار كثيرة بأن أشياء كانت في القرآن، فنسخ تلاوتها. فمنها ما روي عن أبي موسى، أنهم كانوا يقرأون: " لو أن لابن آدم واديين من مال، لابتغى إليهما ثالثاً، ولا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب، ويتوب الله على من تاب " ثم رفع. البيان جلد 1صفحة 338

يعنى نسخ در قرآن به سه قسم است: از آنها یکی، برداشته شدن حکم آیه و تلاوت آن از قرآن، مثل آنچه که از ابوبکر روایت شده که گفت ما میخوانیدم آیه ی (لا ترغبوا عن آبائکم فإنه کفر بکم) یعنی از پدرانتان رویگردان نشوید که این کفر است. و نوع دیگر این است که آیه در قرآن نوشته میشود ولی حکم آن از قرآن برداشته میشود مثل آیه (وإن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتم / 11ممتحنه) یعنی اگر همسری از همسرانتان به سوی کافران رفت و شما به عقوبت گرفتارشان ساختید. که در این نوع قرائت آن باقی مانده ولی حکم آن برداشته شده است. و نوع سوم از انواع نسخ برداشته شدن لفظ آن از قرآن و باقی ماندن حکم آن میباشد مانند آیه ی رجم که آیه اش نازل شده سپس لفظ آن از قرآن نسخ و برداشته شده است. و مثل آنچه که از ابو موسی اشعری روایت شده که آنها میخواندند آیه ی لو أن لابن آدم واديين من مال، لابتغى إليهما ثالثاً، ولا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب، ويتوب الله على من تاب " اگر فرزند آدم دو دره بزرگ مال داشته باشد، دنبال يك دره دیگری هم می رود و پر نمی کند شکم فرزند آدم را غیر از خاک سپس با نسخ شدن از قرآن برداشته شد.

قال شيخ الطائفة الطوسي في تفسيره (التبيان) (1 / 13) : لا يخلو
النسخ في القرآن الكريم من أقسام ثلاثة ، أحدها : نسخ حكمه دون لفظه ،
الثاني : ما نسخ ﴿ لفظه دون حكمه كآية الرجم ، فإن وجوب الرجم
على المحصنة لا خلاف فيه ، والآية التي كانت متضمنة له منسوخة بلا خلاف
﴿ وهي قوله (والشيخ والشيخة إذا زنيا)

ثم قال في موضع اخر : (1/ 394) : " وقد أنكر قوم جواز نسخ القرآن ،
وفيما ذكرناه دليل على بطلان قولهم ، ﴿ وجاءت أخبار متظافرة بأنه كانت
أشياء في القرآن نسخت تلاوتها ﴾

خب این تا اینجا اما در مورد آیه رضوع کبیره ﴿﴾

اولا رضاع کبیر جزو منسوخات که آیه ۲۳۳ بقره جانشینش شده

﴿ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ
لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ
لَهُ بِوَلَدِهِ ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

سوره بقره آیه 233

3670 - حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى قَالَ قَرَأْتُ عَلَى مَالِكٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ عُمَرَ
عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ كَانَ فِيهَا أَنْزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ عَشْرُ رَضَعَاتٍ مَعْلُومَاتٍ يُحْرَمْنَ. ثُمَّ نُسِخْنَ
بِخَمْسِ مَعْلُومَاتٍ فَتَوَفَّى رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَهُنَّ فِيهَا يُفْرَأُ مِنَ
الْقُرْآنِ. صحيح مسلم؛ ج 4، ص 167 و دارمی؛ ج 2، ص 157 و ابو داود؛ ج 1، ص
224.

اینجا ﴿منم موندم کجا گفته بز وارد اتاق شده و آیه را خورده ﴾

در صحیح مسلم نسخ شدن آیه ی ده بار شیر دادن به پنج بار شیر دادن آمده است. و
سپس حکم پنج بار شیر دادن باقی ماند و تلاوت آیه نیز از قرآن نسخ شد. اما به علت
نزدیک بودن زمان فوت نبی با نسخ شدن تلاوت آیه ی پنج بار شیر دادن، بعضی از
مردم هنوز اطلاعی به نسخ آن نداشتند و به همین خاطر فکر میکردند که آن آیه هنوز از

قران است و ان را تلاوت ميکردند. اما بعدا مشکل ناسخ و منسوخات در مصحف عثمان رضی الله عنه حل شد.

در ثانی اگرم بز خورده باشد تحریف نیست مثال قران خونه یکی نابود شود ایا همه قران ها و حافظان قران هم نابود میشوند؟ حال انکه امام باقر رحمه الله چنین مطلبی گفته

رواه الطبراني في المعجم الأوسط (12/8) وابن ماجة في سننه (625/1) وصحها الألباني في صحيح سنن ابن ماجة رقم 1580.

ولكن هذا لا حجة فيه فإن مصاحف المسلمين كثيرة. والداجن إذا أكلت ورقة لا تستطيع إذهاب آيات القرآن من صدور مئات آلاف المسلمين وليست عائشة وحدها عندها أوراق من القرآن ولم تكن من كتبة الوحي المتخصصين في كتابة كل آية تنزل على النبي . صلى الله عليه وسلم.

إن هذا محاولة يائسة لإيجاد مساومة مع السنة على قول قول الرافضة بأن القرآن محرف.

میگه ایات در سینه های هزاران. مسلم حفظ است

معصوم سروران شیعه هم میگه قران را دریا با خودش برد وقتی ان را پیدا کردیم دیدیم بعضی از ایات حذف شدند یعنی قران از بین رفت یعنی در سینه های مسلمین محفوظ نیست ؟



عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَقَعَ مُصْحَفٌ فِي الْبَحْرِ فَوَجَدُوهُ وَ قَدْ ذَهَبَ مَا فِيهِ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ .

18- جابر گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: قرآنی در دریا افتاد و آن را بدست آورند و دیدند که تمام نوشته های آن رفته است جز این آیه : (((الا الى الله تصير الامور))) (سوره شوری آیه 53).

اخرج ابن ماجة عن عائشة قالت: لقد نزلت آية الرجم و رضاعة الكبير عشرا و لقد كانت في صحيفة تحت سريري فلما مات رسول الله و تشاغلنا بموته دخل الداجن فأكلها تأويل مختلف الحديث: ص 310 و مسند احمد: ج 6، ص 269

این روایت ضعیفه دوستان

به دلیل محمد بن اسحاق که مشهور به تدلیس است.

26316 - حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ حَزْمٍ عَنْ عَمْرَةَ بِنْتِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ لَقَدْ أَنْزَلَتْ آيَةُ الرَّجْمِ وَرَضَعَاتُ الْكَبِيرِ عَشْرًا فَكَانَتْ فِي وَرَقَةٍ تَحْتَ سَرِيرِ فِي بَيْتِي فَلَمَّا اشْتَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَشَاغَلْنَا بِأَمْرِهِ وَدَخَلْتُ دُوبِيَّةً لَنَا فَأَكَلْتُهُ

باز هم همین طور مثل قلبی ضعیفه

اینم مدرک تدلیس و قوی نبودن راوی

محمد بن إسحاق بن یسار المطلبي المدني صاحب المغازي صدوق مشهور بالتدليس عن الضعفاء والمجهولين وعن شر منهم وصفه بذلك أحمد والدارقطني وغيرهما. ج 1/ص 51

رتبته عند ابن حجر : صدوق يدلّس ، و رمی بالتشیع و القدر

رتبته عند الذهبي : الإمام كان صدوقا من بحور العلم ، و له غرائب في سعة ما روى تستنكر ، و اختلف في الاحتجاج به ، و حديثه حسن و قد صححه جماعة وابن اسحاق حجة في المغازي إذا أسند وله مناكير وعجائب

و قال النسائي : ليس بالقوى .

و قال إبراهيم بن يعقوب الجوزجاني : محمد بن إسحاق ، الناس يشتهون حديثه و كان يرمى بغير نوع من البدع .

و قال : يعقوب بن شيبه : سمعت محمد بن عبد الله بن نمير و ذكر ابن إسحاق فقال : إذا حدث عن من سمع منه من المعروفين فهو حسن الحديث صدوق ، و إنما أتى من أنه يحدث عن المجهولين أحاديث باطلة .

و قال حنبل بن إسحاق : سمعت أبا عبد الله يقول : ابن إسحاق ليس بحجة .

و قال أبو الحسن الميموني : سمعت يحيى بن معين يقول : محمد بن إسحاق ضعيف .

تمام

استاد سيد عباس:

بسم الله و بسم رب الشهداء و الصديقين و لعنت على اعداء الله

اولا اينکه بنده قبل از اينکه بحث و يا ذى مقدمه را شروع کنم بايد يك مقدمه عارض همه دوستان بشوم ﷻ ﷻ ﷻ

اول اينکه اين مطالبی که ذکر کردید تازه گى ندارد برای ما و سابقا هم عمريه نقل کرده بودن و ما هم صاعقه زدیم و امروز هم می زنیم

نکته دوم اين هست شما کلا شيخ طوسی را متذکر شديد که بنده از شما تشکر می کنم که کلام او را آوردید زیرا اين کلام نتنها به نفع شما نبود بلکه به ضرر شما بود و دليل هم اين هست شما برای اينکه بيایید عقیده عايشه مبنی بر رضاع کبيره و ايشا روايت بزغاله اش را رد کنید گفتید اين ايه نسخ شده و دليل شما برای اثبات نسخ چه بوده؟ دليل شما هم کلام علمای شيعه بوده که من به شما می گويم اقای باهاوش عقیده شيعه برای ماست و عقیده شما برای ما ايا شما اعتقادات خود را از شيعه اخذ می کنید؟ 😊😊😊

و همچنين شما اينجا عقیده شيعه رو نقل کردید که اين به نفع ما و به ضرر شماست ﷻ ﷻ ﷻ

در ادامه پاسخ به شما می گويم همان طور که شما اقرار کردید مسئله رجم طبقه سخن شيخ طبرسی و شيخ طوسی خداوند ايه رجم را نسخ کرده دوستان خوب دقت کنید

خوب نسخ ایه رجم اینجا ربطش به اعتقاد عایشه بر ایه رضاع کبیره در چیه؟ و واقعا سوال اینجاست نسخ رجم ربطش به رضاعه کبیره در چیه؟ 😊😊😊

اما شما گفتید که ما شیعیان قائل بر نسخ ایه رجم هستیم ، که بنده در پاسخ می گویم بعضی علما قائل بر نسخ هستند ولیکن این ربطش به شما عمریه در چیه؟

اختلاف بین ما و شما در این هست که ما قائل بر نسخ هستیم و شما قائل بر محرف بودن قران یعنی ما می گوئیم خداوند نسخ کرده ولی شما می گوئید این ایه در قران بوده و بزغاله عایشه خورده و خداوند هم نسخ نکرده ولی بزغاله عایشه خورده و این اعتقاد شیعه مبنی بر نسخ ربطش به اعتقاد شما در چیست؟

در مورد نسخ رجم شیخ والشیخة من سابقا در کانال مقدس منهاج این شبهه رو از کتب شیعه پور کردم رفته و دوباره انرا اینجا ارسال می کنم 📖📖📖

۱۰ ملاذ الأخبار ج ۱۶

۶ - یونس بن عبدالرحمن عن سماعة عن أبي عبدالله عليه السلام قال: الحر والحرّة اذا زنيا جادكل واحد منهما مائة جلدة ، فأما المحصن والمحصنة فعليهما الرجم .

۷ - عنه عن عبدالله بن سنان قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: الرجم في القرآن قوله تعالى اذا زنى الشيخ والشيخة فارجموهما البتة فانهما قضيا الشهوة .

۷ - عنه عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال : المحصن يرجم والسدي قد أملك ولم يدخل بها بجلد مائة ونفي سنة .

۹ - علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن محمد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام قال : قضى أمير المؤمنين عليه السلام فى الشيخ والشيخة ان بجلدا مائة، وقضى للمحصن الرجم، وقضى فى البكر والبكرة اذا زنيا جلد مائة ونفي سنة فى غير مصرهما، وهما اللذان قد أملكا ولم يدخل بها .

الحديث السادس : مؤثق .

الحديث السابع : صحيح .

قوله تعالى : اذا زنا

كذا بخطه رحمه الله ، وفي بعض النسخ « اذا زنيا » ، وعدت هذه الآية مما نسخت تسلاوتها دون حكمها ، ورويت بعبارات أخر أيضاً ، وعلى أي تقدير فهي مخصوص بالمحصن منهما على ما هو الظاهر من كلامهم ، ويحتمل الاعم .

الحديث الثامن : صحيح .

الحديث التاسع : حسن .

مَجْطُوطَات
مَكْتَبَةِ آيَةِ اللَّهِ الرَّعْشِيِّ الْعُلَمَانَةِ
(۱۵)

مِلَاذُ الْأَخْبَارِ
فِي نَهْمِ نَهْدِيبِ الْأَخْبَارِ

تأليف
العَلَمَاءُ الْمُحَقِّقُونَ الْأَمَمَةُ الْمُؤَلَّفُونَ
السَّيِّدُ مُحَمَّدُ بَاقِرُ الْحَمَّادِيُّ

الجزء السادس عشر
(كتاب الحدود)

تحتقيق
السَّيِّدُ مَهْدِيُّ الرَّجَائِي

باهتمام
السَّيِّدِ مُحَمَّدِ الرَّعْشِيِّ

□ یکی از شبهاتی که جماعت عمریه □ به شیعه وارد می کنند این روایتی هست که با سند صحیح در کتاب شریف کافی آمده و علامه مجلسی هم در کتاب ملاذ الاخیار انرا تصحیح سندی کرده و عمریه □ می گویند طبق این روایت شیعه قائل به تحریف است زیرا در روایت آمده خداوند ایه رجم را در قران نازل کرد در حالی که وقتی ما الان به قران رجوع می کنیم این ایه نیست

□ الرَّجْمُ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِذَا زَنَى الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبَيِّنَةُ فَإِنَّهُمَا قَضِيَا الشَّهْوَةَ؛

□ رجم در قرآن آمده است؛ زیرا سخن خداوند عز و جل است که هرگاه پیرمرد و پیرزنی زنا کردند، آن دو را سنگسار کنید، برای این که دوران شهوت رانی آنها گذشته است.

□ پاسخ به این شبهه بی اساس رو در ذیل پیگیری کنید ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

پاسخ به شبهه:..... ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

□ اولاً که این مطلب در کتب اهل سنت نیز آمده است که ایه رجم در قران نازل شده ولیکن الان نیست

□ عن ابن عباس، قال: قال عمر: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ الرَّجْمِ فَقَرَأْنَاهَا وَعَقَلْنَاهَا وَوَعَيْنَاهَا رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ فَأَخْشَى أَنْ طَالَ بِالنَّاسِ زَمَانٌ أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ وَاللَّهِ مَا نَجِدُ آيَةَ الرَّجْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ

□ از ابن عباس نقل شده که گفت : عمر گفت: خداوند رسول خدا را به حق فرستاد و بر او کتاب را نازل کرد. پس در بین آنچه بر وی نازل شده بود آیه سنگسار بود. پس ما آن را خواندیم فهمیدیم وبا تمام وجود درک کردیم. رسول خدا سنگسار کرد. وما هم سنگسار

نمودیم. پس ترسیدم که اگر مدتی بر مردم بگذرد کسی بگوید که قسم به خدا ما این آیه را در کتاب خدا نمی بینیم. پس به سبب ترک یکی از واجبات الهی به گمراهی بیفتند

□ صحیح البخاری، ج 8، ص 25 و 26 و صحیح مسلم، ج 5، ص 116 و مسند احمد، ج 1، ص 40 و 55. و السنن الدارمی، عبدالله بن بهرام الدارمی، ج 2، ص 179 و سنن ترمذی، ج 2، ص 442 و المحلی، ابن حزم، ج 11، ص 236.

□ پس در روایت اول آمده که عمر می گوید ایه رجم نازل شده و انرا می خواندن ولیکن الان در قران نیست خوب پس کجاست؟ شاید اقایان بگویند ایه نسخ شده اما این توجیه جز بیچاره کردن خودشان راهی دیگر ندارد زیرا ﷺ

□ اولاً عمر می گوید این ایه را دیگر در قران نمی بیند اگر نسخ شده دیگر رچا می گوید نمی بینم وقتی نسخ شده دیگر استشهاد ان معنا ندارد که عمر بخواد تعجب کند

ﷺ ثانیاً اگر نسخ شده دیگر چرا واهمه و ترس دارد مردم گمراه شوند به خاطر ترك فریضه الهی؟ در حالی که نسخ وقتی شده باشد به امر الله هست و ترك عمل خود فریضه الهی و دستور الهی هست دیگر نیازی به ترسیدن عمر نیست

□ ثالثاً اگر نسخ شده چرا عمر امروز داشت با دست خود انرا به قران اضافه کند؟ حالا سوال اینجاست ایا عمر بن صحاک پیامبر خداست که می خواهد به آیات اضافه کند؟ یا اینکه این ایه جز قران بوده و به دلیل حذف خواسته دوباره به ان اضافه کنه؟

□ نقل می کند: «لولا أن يقول الناس زاد عمر في كتاب الله لكتب آية الرجم بیدی».

یعنی: (عمر گفت) اگر نبود که مردم می گویند عمر به کتاب خدا افزود من با دست خود آیه رجم را می نوشتم.

صحیح مسلم، ج 3 ص 1317، کتاب الحدود، باب 4، ح 15.

□ پس تا اینجا مشخص شد ایه رجم در قران بوده و حذف شده لذا عمر از ترك این عمل توسط مردم ترس و واهمه داشت لذا دنبال این بود انرا به قران اضافه کند حالا نکته

جالب اینجاست این ایه رجم چه بوده که از قران حذف شده؟ در پاورقی و شرح بعدی از مصادر صحیح در باب تعلیق به ایه رجم چنین آمده

← وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ زَادَ عُمَرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَكَتَبْتَهَا بِيَدِي : الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ

□ عمر گفت به جانم قسم اگر مردم نمی گفتند که مردم ، عمر به کتاب خدا ایه اضافه کرد بادست خود در قران می نوشتم اگر پیره مرد و پیره زنی زنا کردند باید سنگسار شوند

☞ پس همان طور که بسیار از شارحین اهل سنت گفته اند که فقط بنده از کتاب فتح الباری آوردیم این است که منظور از ایه رجم که از قران حذف شده همان الشیخ والشیخیه هست که در مصادر شیعه هست در نتیجه از باب پاسخ نقضی اگر به شیعه اشکال وارد شود در وحله اول به خود عمریه اشکال وارد است زیرا انها هم اعتقاد به حذف و تحریف این ایه دارند

◆◆ اما در روایات اهل سنت هم با سند صحیح آمده ایه شیخ و شیخه جز قران و قرائات بوده که الان حذف شده من به مواردی اشاره می کنم

□ (سنن ابن ماجه)

2553 حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة ومحمد بن الصباح قالا حدثنا سفيان بن عيينة عن الزهري عن عبيد الله بن عبد الله بن عتبة عن ابن عباس قال قال عمر بن الخطاب لقد خشيت أن يطول بالناس زمان حتى يقول قائل ما أجد الرجم في كتاب الله فيضلوا بترك فريضة من فرائض الله ألا وإن الرجم حق إذا أحسن الرجل وقامت البينة أو كان حمل أو اعتراف وقد قرأتها الشيخ والشيخة إذا زنيا فارجموهما البتة رجم رسول الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده .

تحقیق الألبانی :

صحیح ، الإرواء (2338)

حديث عمر قال إن الله بعث محمدا صلى الله عليه وسلم بالحق وأنزل عليه الكتاب فكان فيما أنزل عليه آية الرجم فقرأتها وعقلتها ووعيتها ورجم رسول الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده فأخشى إن طال بالناس زمان أن يقول قائل ما نجد في كتاب الله فيضلوا بترك فريضة أنزلها الله تعالى فالرجم حق على من زنى إذا أحصن من الرجال والنساء إذا قامت به البينة أو كان الحبل أو الاعتراف وقد قرأتها " الشيخ والشيخة إذا زنيا فارجموهما البتة نکالا من الله والله عزيز حكيم " متفق عليه

8070 B - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، أُنْبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَكَمِ، أَنَّ أَبَا إِبْنِ وَهَبٍ، أَخْبَرَنِي اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هِلَالٍ، عَنْ مَرْوَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ بْنِ سَهْلٍ بْنِ حُنَيْفٍ، أَنَّ خَالَتَهُ، أَخْبَرَتْهُ قَالَتْ: لَقَدْ أَقْرَأَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آيَةَ الرَّجْمِ: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ بِمَا قَضِيَا مِنَ اللَّذَّةِ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخْرَجْ بِهِ السِّيَاقَةُ "

[التعليق - من تلخيص الذهبي]

8070 - صحيح

8071 - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحِ بْنِ هَانِيٍّ، ثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، وَمُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، قَالَا: ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، ثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ كَثِيرِ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ: كَانَ ابْنُ الْعَاصِ، وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ يَكْتُبَانِ الْمَصَاحِفَ فَمَرَّ عَلَى هَذِهِ الْآيَةِ، فَقَالَ زَيْدٌ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ» فَقَالَ عَمْرُو: " لَمَّا نَزَلَتْ أَنْتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ: أَكُنُبُهَا؟ فَكَانَتْ كَرَهُ ذَلِكَ " فَقَالَ لَهُ عَمْرُو: «أَلَا تَرَى أَنَّ الشَّيْخَ إِذَا زَنَى وَقَدْ أُحْصِنَ جُلِدَ وَرُجِمَ، وَإِذَا لَمْ يُحْصِنَ جُلِدَ، وَأَنَّ النَّبِيَّ إِذَا زَنَى وَقَدْ أُحْصِنَ رُجِمَ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخْرَجْ بِهِ "

[التعليق - من تلخيص الذهبي]

8071 - صحيح

❖ روایت کتاب شریف کافی با روایت عمر بن صحاك از بخاري نفتي يك فرق اساسي دارد و این است که در کتاب کافی آمده ایه رجم در قران هست و در کتاب بخاري نفتي آمده در قران نیست و من مي خواهم اضافه کنم پس مشخصه در يك جا در قران هست ولي عمر مي گوید نیست مي خواهم اضافه کنم

□ خوب حالا این تناقض چطور قابل حل هست؟

□ نکته اول این است که رجم بر اساس سنت رسول الله هست و نه قران همان طور که عامه و خاصه از مولا علي ع نقل کرده است

□ أَنْ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، ! قَالَ : " جَلَدْتُهَا بِكِتَابِ اللَّهِ ، وَرَجَمْتُهَا بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "

مولا فرمودند تو شلاق خوردی به خاطر قران و رجم شدی به خاطر سنت رسول الله

□ پس مشخص مي شود رجم بر اساس سنت انجام مي شود و نه قران لذا سوال پيش مي آید منظور از امام صادق از اینکه در قران هست این قران کدام قران است؟

□ در عرب هر لغتي را بايد بر اساس همان زمان معنا کرد مثلا در سوره يوسف آمده وَ جَاءَتْ سَيَّارَةٌ يَكُ سَيَّارَةٌ اي امد الان در عربي سياره به معنای ماشين است ايا در زمان حضرت يوسف يك ماشين امد بالا سر چاه؟ نه بلکه بر اساس همان زمان منظور از سياره کاروان است

□ حالا در قران هم آیات ديگر چنين هست مثلا خداوند در سوره بقره براي يهود در مورد تورات از کتاب الله استفاده کرده در مورد قران هم در سوره نحل ايه 44 از کتاب الله استفاده کرده حالا این کتاب الله در هر دوره اي منظور همان قران دين معين است در

نتیجه هر کتاب اسمانی می تواند نام قرآن را بر خود اطلاق کند که من این رو از شیعه و سنی ثابت می کنم

در تفسیر المیزان علامه بزگوار طباطبائی می فرمایند ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

﴿﴾ أن القرآن يطلق على البعض كما يطلق على الكل بل يطلق القرآن على سائر الكتب السماوية أيضا كالتوراة و الإنجيل و الزبور باصطلاح القرآن
قرآن به يك ایه اطلاق می شود بلکه به سایر کتب اسمانی مانند تورات و انجیل و زبور هم اصطلاح قرآن اطلاق می شود

﴿﴾ کتاب : تفسیر المیزان- نویسنده : السيد الطباطبائي- جلد : 2- ص 19

□ آیا این مطلب در کتب عمریه هم آمده است؟ جواب بله در صحیح بخاری هم آمده است

3164 - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنْ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خُفِّفَ عَلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُرْآنُ فَكَانَ يَأْمُرُ بِدَوَابِّهِ فَنُسْرَجُ فَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ

قرآن برای حضرت داوود خواندنش خیلی راحت بوده و دستور می داد اسبش را آماده کنن و قبل از زین شدن اسبش يك دور قرآن می خواند

👉 حالا این قرآنی که حضرت داوود می خواند چه بوده؟

﴿﴾ دوستان رجوع کنند به شروح حدیث بخاری شرح ابن بطال

□ والمراد بالقرآن في هذا الحديث الزبور.

منظور از قرآن در این حدیث زبور هست

پس به هر کتاب اسمانی اسم قرآن هم اطلاق می شود

❁ حالا اینها را توضیح دادیم که چه نتیجه بگیریم؟ بگویم منظور از اینکه امام صادق فرموده در قرآن شیخ و شیخه سنگسار می شود و این ایه در قرآن است منظور تورات است حالا دلیل ما چیه؟ رجوع می کنیم به تفسیر طبری ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

← وكان النبي صلى الله عليه وسلم قال لهم: من أعلمكم بالتوراة؟ قالوا: فلان الأعور! فأرسل إليه فأتاه، فقال: أنت أعلمهم بالتوراة؟ قال: كذلك تزعم يهود! فقال له النبي صلى الله عليه وسلم: أنشدك بالله وبالتوراة التي أنزلها على موسى يوم طور سيناء، ما تجد في التوراة في الزانيين؟ فقال: يا أبا القاسم، يرحمون الدنيئة، ويحملون الشريف على بعير، ويحمّون وجهه، ويجعلون وجهه من قبل ذنّب البعير، ويرجمون الدنيء إذا زنى بالشريفة، ويفعلون بها هي ذلك. فقال له النبي صلى الله عليه وسلم: "أنشدك بالله وبالتوراة التي أنزلها على موسى يوم طور سيناء، ما تجد في التوراة؟ فجعل يروغ، والنبي صلى الله عليه وسلم يئنّسده بالله وبالتوراة التي أنزلها على موسى يوم طور سيناء، حتى قال: يا أبا القاسم،" الشيخ والشيخة إذا زنيا فارجموهما البتة". ﴿﴾ ﴿﴾

● وپیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلم به آنان فرمود : چه کسی آگاهترین و اعلم ترین شما به تورات است ؟ گفتند : آن شخص اعور (یک چشم) ! پس بدنبال او فرستاد و او آمد . پس پیامبر اکرم به او فرمود : آیا تو آگاهترین و اعلم ترین اینان به تورات هستی ؟

در جواب گفت : اینگونه یهود ادعا میکند ! پس پیامبر اکرم به او فرمود : تورا به خدا و توراتی که در روز طور سینا بر موسی علیه السلام نازل فرمود قسم میدهم ، چه حکمی در تورات برای زناکاران می یابی ؟

پس در جواب گفت : ای ابالقاسم ، زن ناپاک را رجم و شخص شریف و ذو مرتبه را بر پشت شتری حمل کرده و صورتش را سیاه گردانده و صورتش را به سمت دم شتر می چرخانند و شخص دنی و ناپاک را اگر مرتکب زنا با زن شریفه و ذو مرتبه گردید رجم مینمایند و زن را همانگونه که مرد شریف مجازات میشود به سزای عملش میرسانند .

پس پیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلم : تورا به خدا و توراتی که در روز طور سینا بر موسی علیه السلام نازل فرمود قسمت میدهم در تورات چه می یابی ؟

﴿﴾ پس شروع به طفره رفتن نمود ه و پیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلم او را به خدا و تورات قسم میداد ، تا اینکه جواب داد : ای ابالقاسم ، پیر مرد و پیرزن را اگر زنا کردند پس قطعاً آنها را رجم کنید ﴿﴾

﴿﴾ همان طور که دیدید منظور از قران امام صادق همان تورات است و نه قران دین مبین اسلام

﴿﴾ حالا این مسئله به اینجا ختم نمی شود بلکه در صحیح بخاری هم اینچنین آمده است

﴿﴾ ابن عمر رضي الله عنهما قال أتى النبي صلى الله عليه وسلم برجل وامرأة من اليهود قد زنيا فقال لليهود ما تصنعون بهما قالوا نسخم وجوههما ونخزيهما قال { فأتوا بالتوراة فاتلوها إن كنتم صادقين } فجاءوا فقالوا لرجل ممن يرضون يا أعور اقرأ فقراً حتى انتهى إلى موضع منها فوضع يده عليه قال ارفع يدك فرفع يده فإذا فيه آية الرجم تلوح فقال يا محمد إن عليهما الرجم ولكننا نكاتمه بيننا فأمر بهما فرجما فرأيته يجاني عليها الحجارة

﴿﴾ از ابن عمر نقل میشه که زن و مردی یهودی که مرتکب زنا شده بودند را نزد پیامبر آوردند ،،، پس پیامبر به آنان فرمود : که با اینان چه می کنید ؟ گفتند که صورتهاشان را سیاه کرده و آبرویشان را میبریم .

پس پیامبر فرمودند (پس تورات را بیاورید و بخوانید اگر شما راستگو هستید)

پس آمدند و به کسی که او را قبول داشتند گفتند که ای اعور (یک چشم) بخوان ، پس شروع به خواندن کرد تا به جایی رسید پس دستش را روی آن جایی که رسیده بود قرارداد و پیامبر به او فرمود دستت را بردار ، پس دستش را برداشت ، پس در آن آیه رجم مشخص گردید ، پس به پیامبر گفت : ای محمد بر این دو رجم است و لکن ما این امر را بین خود پنهان می کنیم ، پس امر به رجم آنها فرمود و من او را (پیامبر) را دیدم که به سوی آنها سنگ می انداخت .

☺ پس منظور از ایه رجم در تورات است و نه در قران لذا اساسا اشکال به روایت کتاب شریف کافی باطل است

□ و جالب است در خورد تورات هم که رجوع کنیم باب های بسیاری در مورد سنگسار هست

□ حالا سوال اینجاست در کتب شما آمده ایه رجم در قران است و عمر انرا تحریف شده و حذف شده می داند و می خواهد به قران اضافه کند و اعتقاد به تحریف یقینان کفر و ارتداد هست حالا جماعت عمریه زحمت بکشند از کفر و ارتداد عمر بن صالح^(ع) دفاع کنند ☺☺☺

این جواب ما به شما در مورد ایه رجم که مفصلا داده شده

اما اجمالا جواب ما به شما این هست که ایه رجم طبق عقیده شیعه نسخ شده ولیکن طبق اعتقاد شما عمریه نسخ نشده بلکه جز قران بوده و مردم انرا قرائت هم می کردند ولی الان معلوم نیست کجاست ☺☺☺

عایشه که اعتقاد داشته این ایه جز قران بوده حتی بعد از شهادت رسول الله و بزغاله اش انرا خورده، خوب من از شما سوال می کنم نسخ را چه کسی؟ و چه زمانی انجام می شود؟ نسخ در زمان حیات رسول الله انجام شده و ان هم توسط خدا انجام می شود در حالی که نسخ رجم طبق عقیده شما عمریه بعد از رسول الله ان هم نه توسط خدا بلکه توسط بزغاله عایشه انجام شده ☺☺☺☺☺☺☺

ایه ایی را که بز خورد +سند

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ لَقَدْ نَزَلَتْ آيَةُ الرَّجْمِ وَرِضَاعَةُ الْكَبِيرِ عَشْرًا وَلَقَدْ كَانَ فِي صَحِيفَةٍ تَحْتَ سَرِيرِي فَلَمَّا مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَشَاغَلْنَا بِمَوْتِهِ دَخَلَ دَاخِرٌ فَأَكَلَهَا

عایشه می گوید: آیه سنگسار و آیه شیردادن به بزرگسال زیر تخت من بود ولی زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافت و ما مشغول شدیم بزی آمد و آن را خورد ﴿﴾

سنن ابن ماجه ج6ص72

پس مشخص هست که این آیه جز قران بوده ولی بزغاله عایشه خورده و نسخی در کار نبوده بلکه بزغاله خورده

اما جالب اینجاست عمر هم اعتقاد به آیه رجم داشته تا حدی که بعد از تحریف ان از قران می خواسته ان را با دست خود به قران اضافه کنه، خوب سوال اینجاست اگر قران نسخ شده چرا عمر می خواسته به قران اضافه کنه؟ حال انکه شما می گوید عمر خود از افرادی بوده که جمع کننده قران هست لذا نمی تواند چنین کسی جهل به آیات و ناسخ و منسوخ داشته باشد

سوال دوم اگر آیه رجم نسخ شده چرا عمر می گفت در قران وجود داشته و قرائت می شده؟ در حالی که شما می گوید قرائت نسخ شده ولی عمر نسخ قرائت را هم قبول نداشت و می گفت قرائت انجام می شده و بعد از تحریف می خواست به قران هم اضافه کنه ﴿﴾

عن ابن عباس، قال: قال عمر: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ الرَّجْمِ فَقَرَأْنَاهَا وَعَقَلْنَاهَا وَوَعَيْنَاهَا رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ فَأَخْشَى أَنْ يَطَالَ بِالنَّاسِ زَمَانٌ أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ وَاللَّهِ مَا نَجِدُ آيَةَ الرَّجْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ فَرِيضَةِ أَنْزَلَهَا اللَّهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى إِذَا أَحْصَيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ إِذَا قَامَتِ الْبَيِّنَةُ أَوْ كَانَ الْحَبْلُ أَوْ الْإِعْتِرَافُ ثُمَّ إِنَّا كُنَّا نَقْرَأُ فِيمَا نَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَنْ لَا تَرَعْبُوا عَنْ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كُفْرٌ بِكُمْ أَنْ تَرَعْبُوا عَنْ آبَائِكُمْ أَوْ إِنْ كُفِرَ بِكُمْ أَنْ تَرَعْبُوا عَنْ آبَائِكُمْ

از ابن عباس نقل شده که گفت: عمر گفت: خداوند رسول خدا را به حق فرستاد و بر او کتاب را نازل کرد. ﴿﴾ پس در بین آنچه بر وی نازل شده بود آیه سنگسار بود. پس ما آن را خواندیم فهمیدیم و با تمام وجود درک کردیم. ﴿﴾ رسول خدا سنگسار کرد. و ما هم سنگسار نمودیم. ﴿﴾ پس ترسیدیم که اگر مدتی بر مردم بگذرد کسی بگوید که قسم به

خدا ما این آیه را در کتاب خدا نمی بینیم پس به سبب ترک یکی از واجبات الهی به گمراهی بیفتند ﴿﴾

صحیح البخاری، ج 8، ص 25 و 26 و صحیح مسلم، ج 5، ص 116

در اینجا عمر اقرار می کند که آیه نازل شد و قرائت هم شد ولی بعدها مردم گفتن در قران چرا نیست خوب اگر نسخ شده چرا قرائت می شده و چرا مردم می گفتن که در قران نیست؟

و از طرفی خود عمر می گوید می خواهد این آیه را با دست خود به قران اضافه کنه یعنی نسخ نشده بلکه تحریف شده ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

عمر بن خطاب گفت اگر مردم نمی گفتند که عمر به قران اضافه کرده است می نوشتم آیه رجم رو به دستان خودم

صحیح البخاری - البخاری - ج ۸ - ص ۱۱۳ - دارالفکر

قال عمر لولا أن يقول الناس زاد عمر في كتاب الله لكتبت آية الرجم بيدي

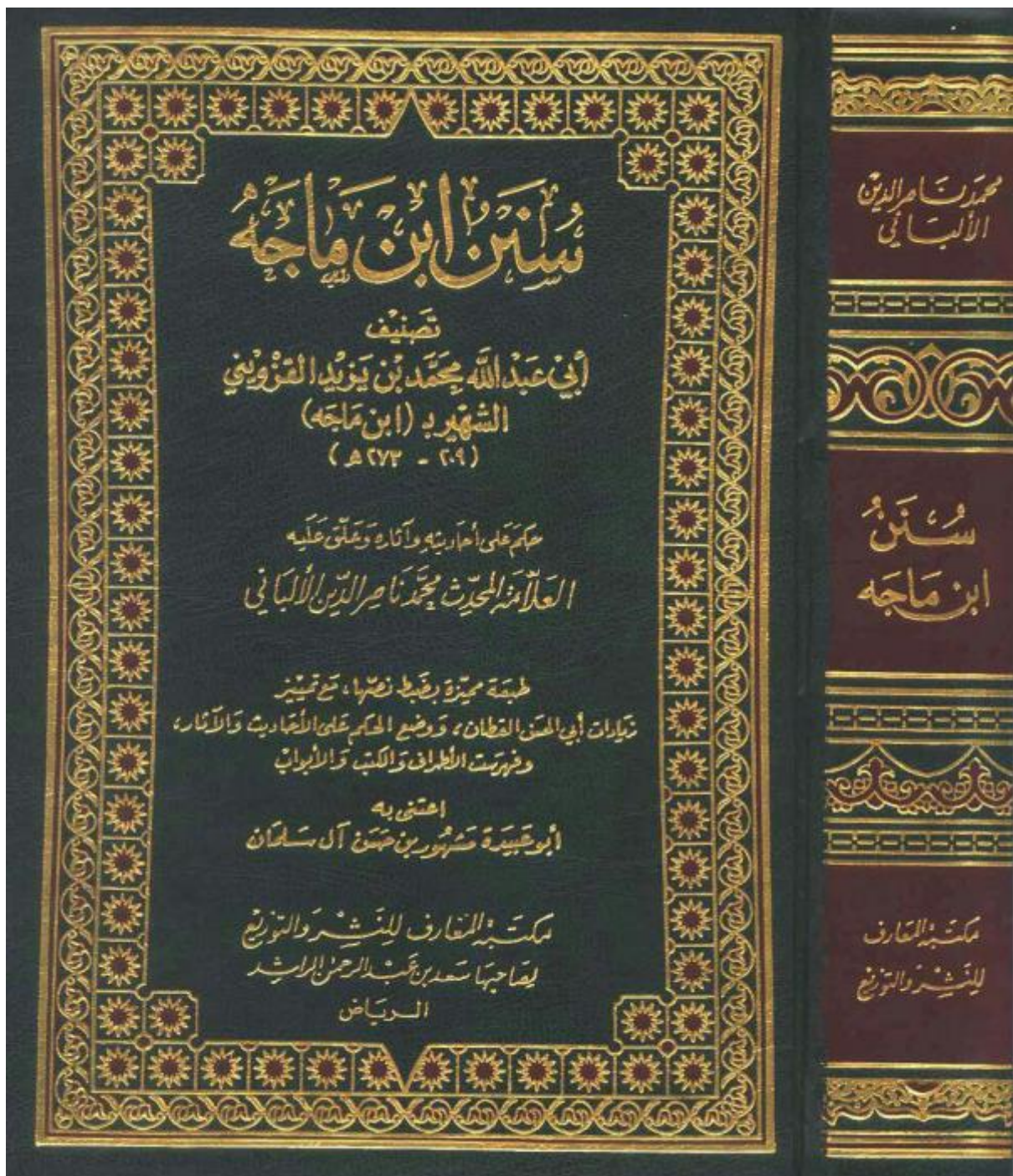
نمی دانیم چطوری آیه نسخ شده که عمر می خواسته به قران اضافه کنه ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

اما یک اشکال به سند روایت عایشه گرفت در مورد محمد بن اسحاق که اخیرا به ان اشکال پاسخ گفتیم و بنده در ذیل ریپلی می زنم ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

□ از اینجا در مورد وثاقت محمد بن اسحاق بخوانید

مطلب بعدی این هست که البانی هم روایت عایشه را حسن دانسته و حسن در رجال

عمریه === با صحیح هست لذا می گویند ثم الحسن کالصحیح فی احتجاج به ﷺ ﷺ ﷺ



سُنَنُ ابْنِ مَاجَهَ

تصنيف

أبي عبد الله محمد بن يزيد القزويني
الشهيد (ابن ماجه)
(٢٠٩ - ٢٧٣ هـ)

حكم على أحاديثه وأثابه وعلق عليه
العلامة المحدث محمد ناصر الدين الألباني

طبعة مميزة بضبط نصها، مع تمييز
زيادات أبي الحسن القطان، ووضع الحكم على الأحاديث والآثار،
وفهرست الأطراف والكتب والأبواب

اعتنى به
أبو عبدة مشهور بن حسن آل سلمان

مكتبة المعارف للنشر والتوزيع
لهاجتها سعد بن عبد الرحمن الرشيد
الرياض

٣٦ - باب رضاع الكبير

١٩٤٣ - (صحيح) حدثنا هشام بن عمار، قال: حدثنا سُفيان بن عُيينة، عن عبد الرحمن بن القاسم، عن أبيه، عن عائشة؛ قالت: جاءت سهلة بنت سهيل إلى النبي ﷺ فقالت: يا رسول الله! إنني أرى في وجه أبي حذيفة الكراهية من دخول سالم عليّ، فقال النبي ﷺ: «أرضعيه»، قالت: كيف أرضعه وهو رجل كبير؟ فتبسّم رسول الله ﷺ وقال: «قد علمت أنه رجل كبير»، ففعلت، فأتت النبي ﷺ فقالت: ما رأيت في وجه أبي حذيفة شيئاً أكرهه بعد، وكان شهيداً بديراً. [الإرواء] (٦ / ٢٦٤)، «الروض» (٣٥٤): ق.

١٩٤٤ - (حسن) حدثنا أبو سلمة يحيى بن خلف، قال: حدثنا عبد الأعلى عن محمد بن إسحاق، عن عبد الله بن أبي بكر، عن عمرة، عن عائشة، وعن عبد الرحمن بن القاسم، عن أبيه، عن عائشة؛ قالت: لقد نزلت آية الرّجم، ورضاعة الكبير عشراً، ولقد كان في صحيفة تحت سريري، فلما مات رسول الله ﷺ وتشاغلنا بموته، دخل داجن^(١) فأكلها. [التعليق على ابن ماجه].

٣٧ - باب لا رضاع بعد فصال

١٩٤٥ - (صحيح) حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، قال: حدثنا وكيع عن سُفيان، عن أشعث بن أبي الشعثاء، عن أبيه، عن مسروق، عن عائشة؛ أنّ النبي ﷺ دخل عليها وعندها رجل فقال: «من هذا؟» قالت: هذا أخي، قال: «انظروا من تدخلن عليكن، فإن الرضاعة من المجاعة^(٢)». [صحيح أبي داود] (١٧٩٧): ق.

١٩٤٦ - (صحيح) حدثنا حرملة بن يحيى، قال: حدثنا عبد الله بن وهب، قال: أخبرني ابن لهيعة، عن أبي الأسود، عن عروة، عن عبد الله بن الزبير؛ أنّ رسول الله ﷺ قال: «لا رضاع إلا ما فتق الأمعاء^(٣)». [الإرواء] (٢١٥٠): ق.

١٩٤٧ - (صحيح) حدثنا محمد بن رُمح المصري، قال: حدثنا عبد الله بن لهيعة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن عقيل، عن ابن شهاب، قال: أخبرني أبو عبيدة بن عبد الله بن زَمعة، عن أمه زينب بنت أبي سلمة؛ أنها أخبرته أنّ أزواج النبي ﷺ كلهنّ خالفن عائشة وأبين أنّ يدخل عليهنّ أحد بمثل رضاعة سالم، مولى أبي حذيفة وقلن: وما يدرينا؟ لعل ذلك كانت رخصة لسالم وحده. [الإرواء] (٢١٥٢): م.

٣٨ - باب لبن الفحل

١٩٤٨ - (صحيح) حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، قال: حدثنا سُفيان بن عُيينة، عن الزهري، عن عروة، عن عائشة؛ قالت: أتاني عمّي من الرضاعة، أفلح بن أبي قُعبس يستأذن عليّ، بعدما ضرب الحجاب، فأبيت أن أذن له، حتّى دخل عليّ النبي ﷺ فقال: «إنه عمك فأذني له» فقلت: إنّما أرضعتني المرأة ولم يرضعني

(١) «داجن»: هي الشاة التي يعلفها الناس في منازلهم، وقد يقع على غير الشاة من كل ما يألف البيوت من الطير وغيرها.

(٢) «فإن الرضاعة من المجاعة»: أي: الرضاعة المحرّمة في الصغير حين يسد اللبن الجوع.

(٣) «إلا ما فتق الأمعاء»: الفتق: الشق، والأمعاء: جمع معي، كعنب وأعنان، وهي المُصْران.

اما گفتن بز خورده تحریف نیست، چون مثلاً یک قران معدوم و باطل بوشد آیا کل قران باطل می شود؟ در پاسخ به این نادان می گوئیم ای جاهل با این استدلال ابروی خودت و مذهبت را بردی و اثبات کردی و مدعی ما در باب تحریف را هم تقویت نمودی زیرا خودت گفتی وقتی یک قران معدوم شود دلالت بر باطل شدن و تحریف شدن کل قران ها نمی شود خوب من از شما سوال می کنم طبق این استدلال اگر باطل شدن یک کاغذ به معنای عدم باطل شدن کل قران هست خوب سوال اینجاست ایه رجم طبق سخن عایشه در قران بوده ولی بزغاله عایشه ان را خورده پس این ایه نباید باطل می شده و نباید تحریف می شده الان ایه رجم کجای قران هست؟ 😊😊😊😊😊

و این ادعای شما تقویت کرد مدعی تحریف ما طبق عقیده شما را زیرا اگر طبق نظر شما قران تحریف نشده پس باید رجم در قران باشه وقتی در قران نیست و بزغاله عایشه خورده خود ثابت کرده که تحریف شده قران وگرنه ایه رجم را نشان دهید

□ در اینجا هم آمده همه آیات قران از بین رفته جز همین ایه خوب سوال می کنیم آیا الان کل قران وجود دارد یا خیر؟ اگر بگوئید وجود ندارد که باطل گفتید اگر بگوئید همه وجود دارد دیگه استدلال شما به کلام امام باقر معنا ندارد

این شبهه امام باقر رو هم ما قبلاً جواب داده ایم 🙏🙏🙏🙏🙏😊😊😊😊😊



راز دلبـران

عضو ۹۷۴



حریف سده است ...



پاسخ

حدیث مورد استدلال مخالفین بر این اساس

است

بِشَرِّ عَشْرَةٍ وَ لَقَدْ كَانَتْ فِي صَحِيفِهِ كِتَابٌ سَرِيرِي
فَلَمَّا آتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَشَاغَلْنَا
بِمَوَدِّ دَعَاؤِهِ كَمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
بِشَرِّ عَشْرَةٍ وَ لَقَدْ كَانَتْ فِي صَحِيفِهِ كِتَابٌ سَرِيرِي
فَلَمَّا آتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَشَاغَلْنَا
بِمَوَدِّ دَعَاؤِهِ كَمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

شیرادن به بزرگوارترین تبار و ولی زمان
که رسول خدا صلی علیه و آله و سلم وفات
افتاد ما مشغول شدیم ، بزی آمد و آن را
خوراک دادیم

کتابل متعاج البدعة الاموية
سنن ماجه ج6 ص72

در باورقی میگرداند و سند روایت را
قابل اطمینان میخواند.

@menhajol_beda

اما در پاسخ به این استدلالو شبهه پوچ
ابتدا همان طور که در قسمت های قبلی مسئله
ناسخ و منسوخ را بررسی کردیم باید گفت

□ اولاً شیعه اعتقاد دارد ایه رجم را خدا نسخ کرده و فرق بین و ما شما در این هست که عایشه می گوید این ایه بعد از زمان حیات رسول خدا هم در قران بوده و نسخ قران در زمان حیات رسول الله هست و نه بعد از حیات و ثانیاً نسخ توسط خدا هست حال آنکه عایشه می گوید ناسخ ایه رجم بزغاله او بوده و نه خدا ایا در قاموس شما جماعت عمریه ناسخ قران خداست یا بزغاله؟

□ ما نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
106/بقره.

✎ هر آیه ای را که رها سازیم، و یا این که فراموشش گردانیم، بهتر از آن یا همسان آن را می آوریم و جایگزینش می سازیم. مگر نمی دانی که خداوند بر هر چیزی توانا است ؟

﴿﴾ ثانیاً شیعه اعتقادی به رضا کبیر ندارد اما سوال پیش می آید ایا ایه رضاع کبیر هم نزد عمریه نسخ شده است؟ پاسخ همان هست که در مورد ایه رجم دادیم زیرا ایه رضاع کبیر و ایه رجم تا زمان بعد از وفات رسول خدا هم در قران بوده و اگر نسخی قرار بود شکل بگیرد باید در زمان حیات رسول خدا ان هم توسط خدا انجام بشه حال آنکه نسخ بعد از حیات رسول خدا و توسط بزغاله بوده است

□ و سوال پیش می آید ایا اصلاً رضاع کبیر از منظر عایشه نسخ شده است؟ پاسخ خیر هست زیرا چون عایشه ناسخ را خدا نمی دانست و بزغاله می دانست فلذا بعد از خورده شدن عایشه همچنان بر حکم ایه عمل می کرده زیرا اعتقاد داشته چنین ایه ای در قران بوده و موید بر این مسئله هم روایات خود عمریه هست

● کانت عَائِشَةُ تَأْمُرُ أَحْوَاتِهَا ان يُرْضِعْنَ من أَحَبَّتْ عَائِشَةُ ان يَرَاهَا وَيَدْخُلَ عَلَيْهَا ﴿﴾ وان كان كَبِيرًا ﴿﴾ خَمْسَ رَضَعَاتٍ ثُمَّ يَدْخُلُ عَلَيْهَا وَأَبَتْ أُمَّ سَلَمَةَ وَسَائِرَ أَرْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ان يُدْخِلَنَّ عَلَيْهِنَّ بَيْتَكَ الرَّضَاعَةَ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَرْضَعَ فِي الْمَهْدِ.

● عائشه، به خواهرانش دستور می‌داد به مردانی که او دوست دارد آن‌ها را ببیند و بر او وارد شوند، پنج‌بار شیر دهد؛ اگر چه مردان بزرگ باشند، سپس بر او وارد شوند؛ اما ام‌سلمه و سایر زنان پیامبر (ص) با این کار مخالف بودند که با این نوع شیر خوردن، احدی بر آن‌ها وارد شود؛ مگر این که در گهواره شیرخورده باشند.

□ الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 6، ص 270، ح 26373، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر؛

❁ و جالب هست نتنها عایشه بلکه علمای حال حاضر عمریه هم بر اساس فتوای عایشه، فتوای رضاع کبیر را صادر می‌کردند که در این مورد کلیبی هست که در ادامه به سمع و نظر همه دوستان ارائه می‌کنیم

□ پس نه عایشه قائل بر نسخ هست و نه علمای اهل سنت

□□ اما روایتی را از کتب شیعه ارائه کردند به عنوان ذیل که ان هم ضعیف هست

18 عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَقَعَ مُصْحَفٌ فِي الْبَحْرِ فَوَجَدُوهُ وَقَدْ ذَهَبَ مَا فِيهِ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ- أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

﴿﴾ الحديث الثامن عشر: مجهول. ﴿﴾

□ مرآة العقول، ج 12، ص: 522

□ اما این روایت جدای از ضعیف بودنش، اصلاً اشکالی هم بر عقیده شیعه وارد نمی‌کند زیرا تا زمان امام باقر قران های بسیاری قلم زده شده بود و اگر هم قرانی مفقود و یا معدوم هم شده باشد جرحی وارد نمی‌کند زیرا قران های دیگر مستعمل بوده و این قران خود به خود قابل استفاده نبوده و امحا شده اما ربطش به روایت شما در چیست؟ آیا امام باقر علیه سلام با وجود این قرانی که از بین رفته قائل بر این بوده قران هم باطل شده؟ حال آنکه طبق روایت شما که در ان بزغاله عایشه کتاب الله رو خورده عایشه قائل بر

وجود رضاع کبیر به عنوان جز ایات الهی بوده فلذا بر عقیده خود باقی مانده و بر آن هم فتوا می داده

✓ END و اما اینکه می گویم کفریات در عقیده عمریه مشهود است به این جهت بوده که ناسخ قرآن نزد آنها خدا نیست بلکه يك بزغاله هست

اما در مورد اینکه گفتید رضاعه به این ایه نسخ شده، اولاً که باز هم ثابت کردید که جاهل هستید چرا؟ چون عایشه اعتقاد به رضاع کبیره داشته و این ایه ربطی به رضاع کبیره ندارد 😊😊😊

ثانیا اصلا عایشه اعتقادی به نسخ رضاع نداشته که اگر داشته اولاً چرا باز به رضاع کبیره عمل می کرده؟

ثالثا بنده تحدی می کنم که یک ایه بیاورید که این ایه نسخ ایه رضاع کبیره هست

در ادامه هم اعتقاد عایشه بر رضاع کبیره را هم می گذارم حال آنکه ایه فرموده رضاع تا دو سالگی هست ولی عایشه به بزرگسالان شیر می داده ﷺ ﷺ ﷺ

وكانت عائشة أم المؤمنين إذا أرادت أن يدخل عليها أحد الحجاب أَرْضَعْتُهُ ، تَأَوَّلَتْ ذَلِكَ مِنْ إِذْنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِسَهْلَةِ زَوْجِ أَبِي حَذِيفَةَ ، وَهُوَ رَأَى لَمْ يُوَافِقْهَا عَلَيْهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَبَيَّنَ أَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ عَلَيْهِنَّ بِذَلِكَ ، وَقَالَ بِهِ اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، (ع) (ع) بِأَعْمَالِ رِضَاعِ الْكَبِيرِ . وَقَدْ رَجَعَ عَنْهُ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ بَعْدَ أَنْ أَفْتَى بِهِ .

ام المؤمنین عائشه، هر وقت که می خواست شخصی بر او وارد شود، به او شیر می داد. دلیل او برای این مطلب، اجازه پیامبر به سهله، همسر ابو حذیفه بوده است. این دیدگاهی است که دیگر همسران پیامبر با آن موافق نبودند و اجازه نمی دادند که کسی با استفاده از این روش بر آنها وارد شوند. لیث بن سعد نیز اعتقاد به رضاع کبیر داشته است؛ اما ابوموسی اشعری بعد از این که فتوا داد، از فتوای خودش بازگشت.

محمد الطاهر بن عاشور (متوفای 1284هـ)، التحریر و التتویر ، ج4، ص297 ، ناشر :
دار سحنون للنشر والتوزیع - تونس - 1997م.

والحدیث قد استدلل به من قال إن إرضاع الكبیر یثبت به التحريم وهو مذهب عائشة
وعروة بن الزبير وعطاء بن أبي رباح واللیث بن سعد وبن علیة وبن حزم

﴿﴾ تمام فقهای که می گویند رضاع کبیر موجب حرمت است ، به این روایت استناد
کردند . یعنی اگر چنانچه یک مرد بزرگی از زنی شیر بخورد ، آن مرد فرزند رضاعی
آن زن می شود . این مذهب عایشه و عروه بن زبیر ، عطاء بن ابی رباح (که از
علمای نامی است) ، لیث بن سعد و بن علیة و ابن حزم است و فتوایشان همین بوده .

عظیم آبادی ، عون المعبود ، ج 6 ، ص 46

اصلا رضاع کبیره مذهب عایشه بوده 😊😊😊

خوب حالا مشکل دو برابر می شود چرا اقا؟

می گویم اصلا عایشه ننتها به نسخ ایه رضاع اعتقاد نداشته بلکه به وجود و وجوب
عمل به رضاع کبیره اعتقاد داشته چرا؟ چون او قائل بر نسخ نبوده لذا قائل بر تحریف
بوده چون قائل بر این بوده رضاع کبیره در قران وجود داشته و نسخ نشده و بزغاله او
ایه را خورده لذا بعد از حیات رسول الله هم به رضاع کبیره عمل می کرده تا جایی که
علمای شما گفته اند اصلا راضع کبیره جز مذهب عایشه بوده لهذا ننتها از منظر عایشه
رضاع کبیره نسخ نشده بلکه عایشه به ان اعتقاد داشته و عمل هم می کرده

حتی کار به جایی رسیده که علمای امروزی شما هم به سنت عایشه عمل کرده و اعتقاد
به رضاع کبیره داشته و قائل بر نسخ ان نبوده

این کلیپ رو بدم ﷻ ﷻ ﷻ

<http://www.aparat.com/v/15EM9>

مطالب بسیار هست ولی همینقدر کفایت می کنه

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته
ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت
ابوالفضل (ع)